

## استحسانات

استحسانات جمع استحسان است که مصدر آن سماعی است و بمعنای طلب احسان است از خلاق متعال جل اسمه و احسان مخلوق بیکدیگر عبارت از نیکوکاری است و احسان خداوند به بندگان عبارت از اعطاء حسنات و تجاوز از سیئات است و این استحسان بر سه قسم است یا در امور شرعیه یا در امور عقلیه یا در امور عرفیه

### قسم اول

عطاها و ثوابهایی است که خداوند برای دعاها و اتیان بمستحبات و اجتناب از مکروهات قرار داده است و اجماع علمای امامیه است که در تکالیف واجبه و محرمیه بقصد قربت باید عمل نمود و لذا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده **ما عهد تاب خوفاً من نارک ولا طمهاً فی جنتک بل و جدتک لله عباده فعبدتک** .

در واجبات و محرمات باستحسانات و قیاس هم نمیتوان تمسک نمود در تکالیف شرعیه بروایات ضعیفه و مرسله اثبات واجب و حرام نمیشود و اگر تمسک باستحسانات و قیاس شود بسا میشود که **ادخال مالیس من الدین فی الدین** میگردد باید بروایات و احادیث صحیحه تمسک شود هر گاه روایات صحیحه مختلف باشد یکی مطلق یکی مقید عمل مطلق بر مقید میشود اگر یکی عام و یکی خاص است بتهخیص عمل میشود اگر روایات و احادیث متعارض باشد بقاعده تعادل و تراجیح عمل میشود - اما در دعاها و امور مستحبه اگر روایتی ضعیف باشد یا عامه در کتب خود نوشته باشند ممکن است باستحسانات و رجاء عمل شود کما اینکه اغلب دعاها مستند آنها روایات مرسله است و معمول بها گردیده و بسیاری از مستحبات بشماح در ادله سنن تمسک شده و در مواردیکه صحت و سقم روایات غیر معلوم باشد و نوشته شده فلان دعا چه قدر ثواب دارد و برای اتیان فلان نماز مستحبی چه قدر حسنه و درجه و ثواب داده میشود عوام و خواص میخوانند و مدرک آنها حدیث من بلغ است که مورد استحسانات است و اغلب مکروهاتی که ذکر شده مدرک صحیحی ندارد و کسانی که ترک مکروه را مستحب میدانند باستحسان و امیدواری ترک مکروهات را مینمایند زیرا در حدیث نبوی است که فرموده **من بلغه شیء من الثواب فعمله کان له اجر ذلک** خبری هم از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرموده اند هر کس ثوابی باو برسد و عمل بآن نماید **کان له ثواب ذلک و ان لم یکن الامر کما بلغ و از سایر ائمه علیهم السلام هم روایات عدیده وارد گردیده بهمین مضامین که اگر بکسی ثوابی برای عملی برسد و آن عمل را بجا بیاورد خداوند اجر و ثواب را با و میدهد** اگرچه ابلاغ واقعیت نداشته باشد حدیث دیگری هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل گردیده که فرموده اند **من بلغه عن الله فضیلة فاخذها ایماناً بالله و رجاء اعطاه الله ثواب ذلک** که از اینگونه اخبار و احادیث بسیار است که علم پیدا میشود برواقعیت آن یا ظن اطمینانی و عمل را بجای آورند البته از فیض الهی محروم

نخواهند گردید و با جهل بواقعیّت امر هم مشمول فیض میشود زیرا باستحسانات و رجا عمل نموده اخباریکه در فضیلت صلوات و قرائت کلام الله و زیارت اهل قبور رسیده برای عالم و جاهل اجر و ثواب دارد جمعی از علماء استحسانات را در امور واجبه هم صحیح دانسته اند و آنچه استفاده میشود از اخبار آنستکه اگر دوران امر بین وجوب و حرمت باشد جای تمسک باستحسانات نیست مثل نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام که ابن ادریس و جمعی قائل بحرمت و عدم جواز گردیده و انعقاد آنرا مشروط بحضور امام علیه السلام میدانسته و جمعی دیگر قائل بوجوب آن شده اند بهیچوجه باستحسانات نمیتوان تمسک نمود و کسانیکه قائل باستحباب آن در زمان غیبت شده اند نیز مورد تمسک باستحسانات نیست زیرا دوران امر بین حرمت و استحباب است و حرمت عقاب یقینی دارد و استحباب ثواب احتمالی دارد و رفع مفسده اولی از جلب منفعت است هر وقت دوران امر بین اباحه و استحباب شود باستحسانات میتوان عمل نمود هر چند بعضی از علماء عمل بمستحبات را هم مشروط بعلم بپرورد دانسته اند و تمسک نموده اند بآیه شریفه **و لا تقف ما لیس لك به علم** و بروایتی که فرموده اند **لا عمل الا بالارشاد و ارشاد ولی الله** را شرط دانسته اند ولی این عقیده صحیح نیست چه آنکه ارشاد مجتهدین عظام که واسطه ولی الله هستند کافی است. برای عمل نمودن بمستحبات کلیه دعاهائیکه مرحوم مجلسی و سایر فقهاء ذکر نموده اند خواندن آنها صحیح است و مورد استحسانات است و در مواردیکه دوران امر بین مستحب و مکروه شود فرد ظاهر استحسان است زیرا در مکروهات چون عقابی نیست و در مندوب ثواب است لذا باستحسان عمل میشود و بعضی گویند چون اتیان بمکروهات مصون از مفسده نیست ترک عمل را ترجیح میدهند و میگویند عمل نمودن با مورد مکروهه مثنائی با تقوی و پرهیزکاری است چون مستحب و مکروه هر دو احتمالی است در ثواب و مفسده لذا مورد استحسان نیست. و اجتناب از مکروه اولی است مواردیکه دوران امر بین اباحه و مستحب است بسیار است مثلاً تعمیر مساجد و تعظیم شعائر الله که در تمام این موارد باستحسانات ثواب جزیل داده میشود

### قسم دوم

اموریکه حسن عقلی دارد ممکن است باستحسانات تمسک شود و فاعل آن مشاب و مأجور گردد نزاعی که بین علماست در ادراک عقل است که جمعی گویند محسنات و مقبحات افعاله شارع میدانند و عقل بتنهائی درک محسنات و مقبحات را نمی نماید هر فعلی را که شارع حسن دانسته فاعل آن مأجور و مشاب است و هر فعلی را قبیح دانسته فاعل آن معاقب است و جمعی گویند عقل مدرک محسنات و مقبحات است و هر حکمی را که شارع نماید کاشف از حکم عقل است و این یکی از اختلافاتی است که بین علمای امامیه و علمای اشاعره است و هر یک از طرفین دلائلی بر اثبات عقیده خود استدلال نموده که ذکر آنها در این مقاله گنجایش ندارد ما میگوئیم قاعده حسن و قبح اشیاء و افعال عقلی است و وجوب شکر منعم بحکم عقل ثابت است و ملازمه بین حکم شرع و حکم عقل نیست بسا میشود شارع حکمی مینماید بر خلاف حکم عقل مثل احکامیکه برای مطلقه رجعیه یا عده وفات معین فرموده و یا حکمی که برای صبی مراحق فرموده با اینکه عاقل و دانا است مکلف بواجبات و محرمات نشده این احکام مختلفه دلیل است بر عدم ملازمه بین حکم عقلی و حکم شرعی

علی‌ای احسان نمودن حسن ذاتی دارد صدق و راستی حسن ذاتی دارد ولی کاهل با اعتبارات فرق میکند کاهل ممدوح میشود گاهی مذموم مثل صدق ضار و کذب نافع اما عدل و احسان که حسن ذاتی دارد نسبت با افراد ناس از حیث اجر و ثواب تفاوت پیدا میکند این است که فرموده اند **العدل حسن وهو من الامراء احسن** و هكذا عدل از قاضی و حاکم ثوابش مضاعف است صفت عدالت صفت خدائی است کسی که می‌خواهد بین مردم حکم کند باید عادل باشد که خداوند عالم فرموده **يا داود انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالحق** یعنی بالعدل عدل یکی از اسماء الحسنی است هر قاضی که بین المخاصمین بعدالت حکم کند و هر وکیل بی بعدالت رفتار نماید مقام رفیعی نزد خداوند دارند مرحوم علامه در تذکره فرموده **يشترط في الوكالة العدالة بجملة قضاء ووكالة داد گستری همه دانشمند و هنرمند و عالم و دانا هستند اما یکی از شعرها گفته :**

**بدبخت آنکسی است که او سیم و زر نداشت**

**خوش بخت آنکسی است که علم و هنر نداشت**

**در بوستان معنی شاخ هنر بسوز**

**زیرا نهال دانش جز غم ثمر نداشت**

بهر حال عدل که اسم اعظم الهی است در خبر است اگر کسی نیمه شب این اسم را بخواند حظه الله بلطائفه پس اگر بخواهند لطف الهی شامل شود استحسان نموده تا مشمول الطاف الهی گردد فقهاء متعرض شده اند که اگر مصالح زمانی مقتضی شد ممکن است بعضی شرائط که برای قاضی شرط است رعایت نشود اما عدالت هیچوقت ملغی لا اعتبار نیست قاضی اگر بجور حکم نمود با شریح قاضی هم درجه است زیرا در محاکمه که بین امیرالمؤمنین علیه السلام با عبدالله بن طفیل را جع بدرع طلحه آنحضرت فرمودند غلول است شریح مطالبه گواه نمود امام حسن علیه السلام شهادت دادند شریح باز شاهد خواست قنبر شهادت داد شریح گفت بشهادت غلام حکم نمیکنم حضرت سه مرتبه فرمود قضاوت بجور کردی زیرا رسول خدا ص فرموده **حیثما وجد غلول اخذ بغیر بینه** تو شاهد خواستی حسن بن علی شهادت داد گفתי بیک شاهد حکم نمیکنم با اینکه بیک شاهد و یک یمین میشود حکم داد قنبر شهادت داد گفתי بشهادت غلام حکم نمیکنم در صورتیکه در شاهد عدالت شرط است و حریت شرط نیست حاصل کلام آنستکه عدل و انصاف و اصلاح بین الناس و اهتمام در امور مسلمین و حسن معاشرت و حسن اخلاق و اغسال مندوبه نمودن و مسواک کردن و اتیان بنوافل هم حسن عقلی دارد و هم حسن شرعی و از مواردیستکه باستحسان موجب نیل ثواب و اجر خواهد گردید.

### قسم سوم

استحسانات عرفی است اغاثه ملهوفین و یاری مظلومین و همراهی نمودن با فقراء و فریاد رسی از ضعفاء و ترحم نمودن با افتادگان و پرستاری از یتیمان امور استکه خداوند برای آنها اجر و ثواب قرار داده و مورد استحسانات عرفی است و کلیه مستحبات و نوافل موجب تقرب الیهی میگردد و اجر و ثواب مستحبات بیشتر از واجبات است و از اخلاق

حسنه مدارانمودن با مخلوق است مخصوصاً سزاوار است آقایان قضاة نسبت بوکلاء با کمال خوش اخلاقی رفتار نمایند خطاب باشرف بمخلوقات شده **لو كنت فظاً غليظاً لآل انفضوا من حولك** و نیز حسن رفتار بهم جوار از اعمال محسنه است در حدیث نبوی است که حضرت فرموده آنقدر جبرئیل سفارش همسایه را نمود که گفتم عمماً قریب برای همسایه هم ارث برقرار میگردد مالکین شرعاً مجازند در خانه خود انواع تصرفات مالکانه را نمایند ولی هرگاه تصرفی که مضر بر همسایه باشد نمایند مسئولند و اگر برای رعایت همسایه از ساختن عمارت عالی خودداری نمایند البته مثاب و مأجور میشوند و این نوع دعاوی در داد گستری بسیار طرح میشود مسلم است هر تصرفی که ضرر آن محسوس است ممنوع است مثل اینکه قریب بچاه آب همسایه بالوعه قرار دهند بحکم **لا ضرر ولا ضرار** جلوگیری میشود ولی در صورتیکه ضرر فعلی نیست و ضرر بالمال است مثل اینکه در خانه خود حماء میسازد جنب عمارت همسایه که در آنیه بواسطه رطوبات مورث خرابی عمارت همسایه میشود اینجا مورد اختلاف است جمعی قانون تسلیط را مقدم بر قانون لا ضرر میدانند و جمعی بالعکس و بعضی فرق گذارده اند نسبت بعلم و جهل که اگر عالم باشد که این عمل بالمال مورث ضرر و خرابی است در حکم ضرر محسوس است زیرا علم و جهل در احکام تکلیفی فرق دارد و قانون لا ضرر جاری است و زمان مدخلیت ندارد هر زمانی که ضرر معلوم شود ممنوع میگردد بحث در اطراف قانون ضرر و قانون الناس مسلطون علی اموالهم و فروعات هر یک بسیار است.

**در خاتمه** البته کسی که احسان بخلق نماید که ودایع الهی هستند گانه احسان بخالق نموده وقتی استحسان از خالق نماید البته جزا و پاداش او داده میشود که خداوند فرموده **هل جزاء الاحسان الا الاحسان** کلمه هل گاهی در مقام استفهام است و گاهی بمعنای قد میشود مثل آیه شریفه **هل وجدتم ما وعد ربکم و گاهی بمعنای نفی است** مثل آیه شریفه **و هل علی الرسل الا البلاغ** بنا بر این خداوند نفی فرموده که جزای کسی که احسان کند نیست مگر احسان و مطابق اخباریکه رسیده احسان خداوند به بندگان بهشت است و نعم اللهی است ولی بهتر از بهشت و نعمتهای بهشت رضوان الله که خداوند فرموده و رضوان الله اکبر وقتی ملائکه بشارت میدهند بمؤمن و میگویند **لقد رضی الله عنک** رضایت اللهی بهتر از تمام نعم اللهی است و رضایت خداوند متعال از بندگان وقتی است که بنده از خداوند راضی شود و کمتر کسی است که از خداوند و عطاهای خداوند ناراضی باشد هر قدر خداوند نعمت داده باشد باز گله مند است مگر در یک نعمت است که هر کسی میگوید فرداتم و اکمل این نعمت اللهی بمن داده شده و آن عقل است که تمام افراد خود را عاقل و از همه عاقل تر میدانند عاقل آنکسی است که در این دوره حفظ دین و اسلامیت خود را نماید که با ایمان از دنیا برود و راضی باشد بتقدیرات اللهی که در اخبار معتبره است در قیامت طائفه از امت سراز قبر برمیدارند و یکسر بهشت میروند ملائکه گویند پای میزان حساب رفتید گویند ما میزانی و حسابی ندیدیم مگر از صراط عبور نکردید گویند صراطی ندیدیم ملائکه میپرسند عمل شما در دنیا چه بوده میگویند ما در دنیا راضی بودیم بآنچه خداوند قسمت ماها را داده بود و بتقدیرات اللهی راضی بودیم بنابراین کسی باید بگوید **الهی رضاً بقضائك و تسليماً لاهرك**.